



درس بیست و پنجم

سوره انعام: آیات (۹۰ - ۹۴)

درس بیست و پنجم
سوره انعام: آیات (۹۰ - ۹۴)

نکات مهم آیات:

۱. راه و روش هدایتگری انبیای الهی، یکسان

است؛

۲. همه انبیا در برابر هدایتگری خود هیچ اجری

دریافت نمی کردند؛

۳. برخی از یهودیان به خاطر عدم شناخت حقیقی

خداوند، نزول کتب آسمانی را منکر بودند؛

۴. قرآن، کتاب هدایت است که خدا آن را بر

آخرین پیامبرش نازل کرده است؛

۵. پیامبر اسلام ص مأمور است به وسیله قرآن،

مردم جهان را انداز کند؛

۶. ظالم ترین انسان کسی است که: ۱. دست به

تحریف کتاب می زند؛ ۲. ادعای نبوت می کند؛

۳. خود را هم ردیف خدا در ربوبیت قلمداد

می کند؛

۷. انسان به تنهایی وارد قیامت می شود و تمام

موهوماتش را در دنیا جا می گذارد؛ اما عقاید و

اعمال و اخلافش همراه او می مانند؛ پس تنهایی

او نسبی است.

لغات درس بیست و پنجم

هدای کرد	هُدًى:	ستمکارتر	أَظْلَمُ:
اقتدا کن	اِقْتَدِهْ:	دروغ می بندد	اِفْتَرَى:
یاد آوری، تذکر	ذِكْرَى:	وحی شد	أَوْحَى:
شناختند	مَا قَدَرُوا:	وحی می شود	يُوح:
آن را آورد	جَاءَ بِهِ:	به زودی نازل می کنم	سَأَنْزِلُ:
قرار می دهید آن را	تَجْعَلُونَهُ:	می بینی	تَرَى:
کاغذها، اوراق پراکنده	قَرَاطِيسَ:	گشوده اند	بَاسِطُو:
آن را آشکار می کنید	تُبْدُونَهَا:	خارج کنید	أُخْرِجُوا:
پنهان می کنید	تُخْفُونَ:	کیفر داده می شوید	تُجْزَوْنَ:
آموخته شدید	عُلِّمْتُمْ:	خوار کننده	الْهُونَ:
آن ها را ترک کن، واگذار	ذَرَهُمْ:	بودید	كُنْتُمْ:
فرورفتن	خَوْضٍ:	تکبر می کردید	تَسْتَكْبِرُونَ:
با برکت	مُبَارَكٌ:	یک بار	مَرَّةً:
تصدیق کننده	مُصَدِّقٌ:	به شما عطا کردیم	خَوَّلْنَاكُمْ:
پیش روی او	يَدْيَه:	پشت سر	وَرَاءَ:
تا بترسانی	لِتُنْذِرَ:	گمان کردید	زَعَمْتُمْ:
مادرشهرها (مکه)	أُمَّ الْقُرَى:	بریده شد	تَقَطَّعَ:
پیرامون آن	حَوْلَهَا:	گم شد، ناپدید شد	ضَلَّ:

آیه ۹۰: أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ أَقْتَدِهْ
 قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ

ترجمه: اینان کسانی هستند که خدا هدایت شان کرده است، پس به هدایت آنان اقتدا کن. بگو: من از شما هیچ مزدی بر این [رسالت] نمی طلبم؛ این [قرآن] جز تذکری برای جهانیان نیست.

تفسیر:

در اینجا برای بار دوم به تمجید از پیامبران پیشین پرداخته و به گونه‌ای از آنان تمجید می‌کند که در حقیقت هدایت الهی را تمجید کرده که مردانی را

چنین بار آورده است. آری هدایت الهی انسان را به هدف می‌رساند و از اثرش که رسیدن به مطلوب است، تخلف نمی‌پذیرد.^۱

فَبِهْدَاهُمُ اقْتَدِهْ : خداوند پس از یادآوری «هدایت یافتگی» پیامبران پیشین، از رسول گرامی ص می- خواهد که به راه و روش و هدایت یافتگی آنان اقتدا کند؛ پس، اقتدا به هدایت و روش آنهاست نه «خود آنها» و نه «شریعت آنها»؛ زیرا آن حضرت از نظر شخصیت، برترین پیامبران است و شریعت او نیز کامل‌ترین شریعت الهی است؛ اما راه و روش و اصول کلی دعوت آنها ثابت و مشترک است.^۲

۱. المیزان، ج ۷، ص ۳۶۱.

۲. تسنیم، ج ۲۶، ص ۲۷۴، ۲۷۶؛ تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۳۳۵.

آنجا که هدایت یافتگی انبیا، آنها را به هدف الهی و کمال انسانی رسانده است،^۳ امیرالمؤمنین ع خطاب به مردم می‌فرماید: شما نیز به هدایت پیغمبرتان که برترین هدایت هاست اقتدا کنید.^۴

بعضی از مفسران این آیه را دلیل بر این گرفته‌اند که پیامبر خدا ص و امت او مأمور هستند به این که از شرایع قبلی پیروی کنند، مگر آن شرایع و احکامی که در اسلام نسخ شده باشد. ولی آیه مبارک، چنین دلالتی ندارد.^۵

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا : یکی از سنت‌های نبوت، رایگان بودن تبلیغ دین خداست. قرآن کریم بارها از

۳. المیزان، ج ۷، ص ۳۶۲.

۴. روان‌جاوید، ج ۲، ص ۳۵۰.

۵. المیزان، ج ۷، ص ۳۶۲.

زبان حضرت نوح ع و سایر انبیا گوشزد کرده است که آنان برای هدایتگری خود هیچ چشم داشتی از مردم ندارند و پیامبر اکرم ص نیز مأمور است به چنین روش پیامبران اقتدا کند.^۶ بدیهی است اگر تبلیغ رسالت هم مثل یک مؤسسه تجاری باشد و پیامبر ص نیز همچون سرمایه‌داران منفعت طلب، عمل کند و در صدد کسب منافع مادی باشد، مردم از دین متنفر می‌شوند.^۷

إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرَىٰ لِلْعَالَمِينَ : از این جمله دو پیام به دست می‌آید: ۱. دعوت رسول اسلام ص همگانی است و برای منطقه و مردم خاصی نیست؛ ۲.

۶. تسنیم، ج ۲۶، ص ۲۸۳.
 ۷. مجمع البیان، ج ۸، ص ۱۷۶.

همیشگی و بادوام است؛ زیرا واژه «عَالَمِينَ»، مطلق آمده و مقید به مکان یا زمان خاصی نیست.^۸

□ آیه ۹۱: وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى بَشَرٍ مِنْ شَيْءٍ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَهُدًى لِلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا وَعُلِّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَكِنْ آبَاؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ

ترجمه: و آنگاه که [یهودیان] گفتند: خدا چیزی بر بشری نازل نکرده، بزرگی خدا را چنان که باید، نشناختند بگو: چه کسی آن کتابی را که موسی

آورده است، نازل کرده؛ [همان کتابی که] برای مردم روشنائی و رهنمود است [و] آن را به صورت طومارها درمی آورید؛ [آنچه را] از آن [می خواهید] آشکار و بسیاری را پنهان می کنید، در صورتی که چیزی که نه شما می دانستید و نه پدران تان [به وسیله آن] به شما آموخته شد. بگو: خدا [همه را فرستاده]، آنگاه بگذار تا در ژرفای [باطل] خود به بازی [سرگرم] شوند.

تفسیر:

سخن از این جا آغاز می شود که جمعی از یهودیان به پیامبر اسلام ص گفتند: آیا به راستی خداوند

کتابی بر تو فرستاده است؟ پیامبر ص در جواب فرمود: آری، فرستاده است. گفتند: به خدا سوگند که خداوند هیچ کتابی از آسمان فرو نفرستاده است.^۹ خدای سبحان به پیامبرش می‌فرماید که با جواب نقضی و جدال احسن از آنها پیرس: اولاً، اگر خدا کتابی نازل نکرده، پس کتاب آسمانی شما (تورات) را چه کسی بر پیامبرت‌ان (حضرت موسی ع) نازل کرد؟ همان کتابی که خدا برای هدایت مردم فرستاد؛ ولی شما برای حفظ منافع و ریاست خود، آن را تکه تکه کردید و کمی از آن را بر مردم می‌خوانید و بسیاری را مخفی می‌کنید؛^{۱۰} ثانیاً، مگر شما

۹. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۳۳۷.

۱۰. علمای یهودی، تورات را در برگه‌های پراکنده و جدا جدا نوشته بودند و آنچه به نفعشان بود به مردم نشان می‌دادند و آنچه به ضررشان بود، کنار می‌گذاشتند (تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۳۴۱).

بسیاری از معارف فراطبیعی را که نه شما می دانستید و نه پدران تان، از همین کتاب و وحی نیاموختید؟!^{۱۱}

بی شک برخی از نیازهای مادی خود را با تفکر به دست می آورید، اما معارف بلند الهی و فرازمینی را چه کسی به شما آموخت؟ مگر غیر از وحی الهی بود؟^{۱۲}

آیا واقعاً علمای یهود، نزول کتابی از سوی خدا را بر پیامبران قبول نداشتند؟ به نظر می رسد واقعاً قبول نداشتند؛ زیرا آن توراتی که نزد آنها بود، آسمانی و وحیانی نبود، بلکه از زبان شاگردان حضرت موسی ع نوشته شده بود و این چنین است حال

۱۱. تسنیم، ج ۲۶، ص ۲۹۱ به بعد.

۱۲. المیزان، ج ۷، ص ۳۷۶.

کتاب «انجیل مسیحیت»؛ اما عقیده داشتند و دارند که چون این مطالب به دست انسان‌های پاک نوشته شده، کتابی است مقدس و قابل اعتماد.^{۱۳}

با این حال ریشه چنین انکار بزرگی (عدم نزول کتاب آسمانی) عبارت است از «عدم شناخت حقیقی خدای متعال» که صدر آیه به آن اشاره کرده است.^{۱۴}: (وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ - آَنانِ خدا را آن - چنان که باید، نشناختند) و هدف‌شان از ین انکار، «انکار نبوت پیامبر اسلام ص» بود؛ زیرا لجاجت، عناد و نژادپرستی آنان به قدری بود که به راحتی

۱۳. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۳۳۹.

۱۴. شناخت کامل خدا، امری محال است، لیکن منظور این است که علمای یهود به اندازه‌ای که یک بشر باید خدایش را بشناسد، شناخت نداشتند. گفتنی است امام صادق (ع) به استناد این آیه فرموده‌اند: خداوند قابل توصیف [و شناخت] نیست. (روان جاوید، ج ۲، ص ۳۵۱).

دست به چنین انکاری می‌زدند^{۱۵} و بشارت ظهور پیامبر خاتم ص و اوصاف او را می‌پوشاندند.^{۱۶} معنای جمله (وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ) این است که مردم نمی‌توانند خدا را آن‌گونه که لایق ساحت او است تعظیم کنند؛ چون عقل و وهم‌شان و هیچ حسی از حواس‌شان نمی‌تواند به ذات خدای متعال احاطه پیدا کند و اگر خدا را وصف می‌کنند به آن مقداری است که آیات و دلایل بر عظمت او دلالت دارند.^{۱۷}

ثُمَّ ذَرَهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ : خدا به پیامبرش می - فرماید: بیش از این به علمای یهود اهمیت نده و فعلاً

۱۵. تسنیم، ج ۲۶، ص ۲۹۱ به بعد.

۱۶. مجمع البیان، ج ۸، ص ۱۸۱.

۱۷. المیزان، ج ۷، ص ۳۷۴.

از ادامه گفت و گو با آنان پرهیز کن تا در امیال
نفسانی و افکار باطل خود سرگرم بازی شوند. این
فرمان به منظور «هجر جمیل» است، نه رها کردن
مبارزه اعتقادی با آنان.^{۱۸}

❖ آیه ۹۲: وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدِّقُ الَّذِي
بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنْذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَالَّذِينَ
يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ
يُحَافِظُونَ

ترجمه: و این خجسته کتابی است که ما آن را فرو فرستادیم [و] کتاب‌هایی را که پیش از آن آمده، تصدیق می‌کند، و برای اینکه [مردم] ام‌القری [= مکه] و کسانی را که پیرامون آنند هشدار دهی و کسانی که به آخرت ایمان می‌آورند به آن [قرآن نیز] ایمان می‌آورند و آنان بر نمازهای خود مراقبت می‌کنند.

تفسیر:

در برابر انکار و حیانی بودن قرآن از سوی یهود، اینک به معرفی قرآن کریم می‌پردازد تا بطلان سخن آنها آشکار گردد. در این آیه به «منزل علیه» یعنی

پیامبر اکرم ص تصریح نشده است، چون «نبوت» و «نزول کتاب» تلازم دارند که اگر یکی اثبات شود، دیگری نیز اثبات می گردد؛ با این حال با عبارت (لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى) به آن حضرت اشاره دارد.^{۱۹} علاوه اینکه آیات قبلی مقدمه بود برای اثبات این که «قرآن، کتابی است نازل شده از طرف خدا، نه برساخته پیامبر ص».^{۲۰}

مبارک: به هر چیزی که دارای زیادت نامحسوس باشد، مبارک و با برکت می گویند و از آنجا که قرآن دارای تمام برکات علمی و عملی و فردی و اجتماعی است، «کتاب مبارک» خوانده شده است.^{۲۱}

۱۹. تسنیم، ج ۲۶، ص ۳۲۱.

۲۰. المیزان، ج ۷، ص ۳۸۷.

۲۱. تسنیم، ج ۲۶، ص ۳۲۰، ۳۲۱.

مُصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ : از برکات و اوصاف قرآن،
تصدیق کتاب های آسمانی پیامبران پیشین و شهادت
بر نزول آنها از سوی خداست. قرآن، هم اصل
نزول کتاب های آسمانی را تصدیق می کند و هم
صحت آنها را.^{۲۲} پس شما علمای یهود بدانید که
«تورات» هم از طرف خدا بر موسی ع نازل شده و
راه قرآن، همان راه تورات است.^{۲۳}

لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا : «انذار، ۱۲۰ بار» و
«بشارت، ۸۰ بار» در قرآن آمده است که گویای این
است که بیشتر مردم در پرتو انذار، راه راست را می-
پیمایند.

۲۲. تسنیم، ج ۲۶، ص ۳۲۱.

۲۳. مجمع البیان، ج ۸، ص ۱۸۳.

مراد از «أُمُّ الْقُرَى» مکه است و مراد از «مَنْ حَوْلَهَا» اگر اطراف مکه باشد، جهان شمول بودن رسالت را نمی‌رساند و البته منافات هم با آن ندارد؛ زیرا این عبارت در صدد حصر نیست؛ اما اگر مکه را مرکز زمین بگیریم، آنگاه مراد از «مَنْ حَوْلَهَا»، تمام شهرها و روستاهای کره زمین خواهد بود.^{۲۴} این آیه دلالت دارد که خدای تعالی عنایت خاصی به مکه دارد؛ چون مکه معظمه حرم خداوند است و دعوت اسلامی از آنجا شروع شده و به سایر نواحی عالم منتشر گردیده است.^{۲۵}

۲۴. تسنیم، ج ۲۶، ص ۳۲۳.

۲۵. المیزان، ج ۷، ص ۳۸۸.

وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ... يُؤْمِنُونَ بِهِ : مؤمنان به آخرت از
 عمق جان و براساس تعقل، ایمان داشته، قرآن و
 رسالت پیامبر اکرم ص را می‌پذیرند و از این
 روست که به آیات نعمت و عذاب قرآن ایمان
 آورده، در عمل، خود را مقید و متعبد می‌سازند.^{۲۶}
 ذیل آیه به یکی از مهم‌ترین عبادت‌ها، یعنی «نماز»
 اشاره کرده و می‌فرماید: از نشانه‌های چنین مؤمنانی،
 «محافظة دایمی بر نماز» است.

□ آیه ۹۳: وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ
 قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ وَمَنْ قَالَ سَأُنْزِلُ
 مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ
 الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُو أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوا أَنْفُسَكُمْ
 الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى
 اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ

ترجمه: و کیست ستمکارتر از آن کس که بر
 خدا دروغ می بندد یا می گوید به من وحی شده،
 در حالی که چیزی به او وحی نشده باشد، و آن
 کس که می گوید به زودی نظیر آنچه را خدا
 نازل کرده است، نازل می کنم؛ و کاش ستمکاران
 را در گرداب های مرگ می دیدی که فرشتگان

[به سوی آنان] دست‌های‌شان را گشوده‌اند [و نهیب می‌زنند] جان‌های‌تان را بیرون دهید
 امروز به [سزای] آنچه به ناحق بر خدا دروغ می
 بستید و در برابر آیات او تکبر می‌کردید، به
 عذاب خوارکننده کیفر می‌یابید.

تفسیر:

در مقابل یهود که منکر نزول کتاب بودند، اینک به معرفی سه گروه از ظالمان می‌پردازد که خود را صاحب نزول می‌دانند: ۱. کسانی که سخنان خدا را تحریف کرده و تغییر می‌دهند (وَمَنْ أَظْلَمُ)، اینان گروهی از مشرکان و منکران نبوت بودند؛ ۲. کسانی که خود را پیامبر می‌خواندند، مانند مسیلمه

کذاب (اوحیَ الی...)؛ ۳. کسانی که برای خود مقام ربوبی همانند خدا قائل بودند (مَنْ قَالَ سَأُنْزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ)، مانند شخصی به نام «عبدالله بن سعد» که از کاتبان وحی بود و سپس خیانت کرد و به مکه گریخت و در آنجا ادعا کرد که من هم می‌توانم همانند آیات قرآن آیه بیاورم.^{۲۷} البته کم نبودند کسانی که چنین ادعا و چنان تلاش‌هایی کردند و در این راه متحمل مخارجی شدند و نیرنگ‌ها به کار بردند؛ ولی ناتوان ماندند و خدا نور خود را تمام کرد.^{۲۸}

۲۷. تسنیم، ج ۲۶، ص ۳۴۱، ۳۴۲.

۲۸. مجمع البیان، ج ۸، ص ۱۸۸.

وَمَنْ قَالَ سَأُنْزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ : ظاهر این جمله حکایت سخنی است که گفته شده؛ یعنی می‌رساند که کسی که این سخن را قبلاً گفته و غرضش از آن استهزای به قرآن کریم بود، به این دلیل که وعده داده که مثل آنچه را که خدا نازل کرده، نازل خواهم کرد، و نگفته مثل آنچه را که محمد ص می‌گوید، خواهم گفت. مفسران دیگر نیز این معنا را قبول دارند.^{۲۹}

وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ... أَخْرِجُوا أَنْفُسَكُمُ : خدای سبحان به رسول اکرم ص یا هر بیننده دیگر می‌فرماید: کاش چگونگی مرگ این ستمکاران و گرفتاری‌های آنان را می‌دیدید، آن هنگام که

فرشتگان مرگ دست‌شان را می‌گشایند و با قدرت و شدت به این ستمکاران نهیب می‌زنند که: جان-های خود را از بدن‌تان بیرون کنید!^{۳۰} عبارت (بَاسِطُوْا اَيْدِيَهُمْ) کنایه از رفتار خشونت‌آمیز فرشتگان با ظالمان است.^{۳۱}

الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ... تَسْتَكْبِرُونَ : مستکبرانی که، در دنیا خود را به دروغ، عزیز و برتر از دیگران می‌پنداشتند، مجازت آن‌ها، ظهور ذلت واقعی آنان را نشان خواهد داد، که از لحظه احتضار آغاز می‌شود و در برزخ و پس از آن نیز ادامه خواهد داشت.^{۳۲}

۳۰. تسنیم، ج ۲۶، ص ۳۳۹.

۳۱. تسنیم، ج ۲۶، ص ۳۴۷.

۳۲. تسنیم، ج ۲۶، ص ۳۳۹.

□ آیه ۹۴: وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَى كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ
 مَرَّةٍ وَتَرَكْتُمْ مَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ وَمَا نَرَى
 مَعَكُمْ شُفَعَاءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَاءُ
 لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ

ترجمه: و همان گونه که شما را نخستین بار
 آفریدیم [اکنون نیز] تنها به سوی ما آمده‌اید و
 آنچه را به شما عطا کرده بودیم پشت سر خود
 نهاده‌اید و شفیعیانی را که در [کار] خودتان
 شریکان [خدا] می‌پنداشتید با شما نمی‌بینیم؛ به
 یقین پیوند میان شما بریده شده و آنچه را که می
 پنداشتید، از دست شما رفته است.

تفسیر:

آیه پیشین صحنه دلخراش مرگ ظالمان را بیان کرد که از لحظات احتضار با واکنش قهرآمیز فرشتگان روبه‌رو می‌شوند. این آیه نیز تنهایی و تهی دستی آنها از لحظه مرگ تا برزخ و پس از آن را بیان می‌کند. آدمی، هم هنگام تولد تنهاست، هم هنگام ورود به عالم برزخ و هم در قیامت. هنگام مرگ، انسان استقلال خود را باز می‌یابد و فقط پیوند واقعی و تکوینی که با مبدأ فاعلی خود و با مبدأ غایی و هدف خود دارد باقی می‌ماند، اما پیوندهای قراردادی، مانند مالکیت، رخت برمی‌بندد. خلاصه اینکه انسان در قیامت با عقاید و اخلاق و اعمال

خود همراه است؛ پس تنهایی او مطلق نیست.^{۳۳} از این رو آیه، انسان‌ها را به اعمال نیک و اخلاق نیکو و عقاید نجات بخش تشویق می‌کند، نه تحصیل آنچه که با مرگ، از میان می‌روند و انسان را تنها می‌گذارند.^{۳۴}

وَمَا نَرَىٰ مَعَكُمْ شُفَعَاءَكُمُ الَّذِينَ : یکی از اعتقادات مشرکان، مسئله «شفاعت بت‌ها» می‌باشد که می‌گویند: بت‌ها در دنیا ما را شفاعت می‌کنند! یعنی فقر و مرض را از ما برمی‌دارند. خدا در این آیه سراغ آن بت‌ها را می‌گیرد. از طرف دیگر برخی از آن‌ها مانند نضر بن حارث عقیده داشتند که بت‌های

۳۳. تسنیم، ج ۲۶، ص ۳۶۰ - ۳۶۴.

۳۴. مجمع البیان، ج ۸، ص ۱۹۳.

بزرگ مانند لات و عزّی در قیامت آنها را شفاعت می‌کند. اینک از آنها هم خبری نیست و انسان مشرک را تنها گذاشته‌اند.^{۳۵}

وَضَلَّ عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ : آنچه در قیامت گم می‌شود، موهومات است و گرنه آنچه حقیقی باشد در این دنیا، در قیامت گم نخواهد شد؛ زیرا در نظم تکوین چیزی گم نخواهد شد. آنچه در قیامت گم می‌شود، در اصل و در ابتدا هم نبوده و تنها مورد «زعم و وهن» انسان مشرک بوده است.^{۳۶}

۳۵. تسنیم، ج ۲۶، ص ۳۷۰.

۳۶. تسنیم، ج ۲۶، ص ۳۷۱، ۳۷۲.

